

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ هما میرافشار، ترانه‌سرایی که «هرگز به شعر کلاسیک خیانت نکرد»

محمد ضرغامی

۱۶/خرداد/۱۴۰۵



مهدی ذکایی، هما میرافشار و فرید زلاند

هما میرافشار ترانه‌سرایی بود که در سال ۱۳۵۵ به پرکارترین نام در ادبیات آهنگین ایران تبدیل شد و تقریباً تا یک دهه پیش از رسیدن به ایستگاه پایانی زندگی‌اش در ۸۹ سالگی کوتاه نیامد تا نشان دهد که حضورش در این عرصه از سر اتفاق نبوده است.

پاییز ۱۳۸۹ در گفت‌وگوی کوتاهی که در برنامهٔ رادیویی «صبحانه با خبر» راديو فردا با او داشتیم، از دلتنگی‌هایش برای ایران، جایگاه زبان فارسی در مهاجرت گفت.

در آن سال او گفت که ترجیح داده تا با ورود ترانه‌سرایان جوان، زمینه را به آنان واگذارد، چنان‌که دیگر همکارانش چنین کرده‌اند.

این گفت‌وگو در زمانی انجام شد که به‌گفتهٔ خودش تنها «در مواردی خاص و برای خوانندگانی که دوست‌شان داشت یا آهنگسازان مورد علاقه‌اش» دست به قلم می‌برد.

اما این تصمیم را اتفاقی در موسیقی لس‌آنجلس پررنگ‌تر می‌کرد؛ «تغییرات نسلی» که فضای بینابینی ایران تا دورانی که هنرمندانی مانند او را در جغرافیایی به نام تبعید کنار هم قرار می‌داد، با خود نداشت.

هما میرافشار که از بستر ادبیات کلاسیک ایران برخاسته بود، جوانانی را در عصر خود می‌دید که به تعبیری با ادبیات فارسی بیگانه بودند و این «ادامه دادن همان زبان و ترکیباتی که در ترانه‌های گذشته رایج بود» را برای او «دشوار» می‌کرد.

بنابراین از دهه ۹۰ خورشیدی، هما میرافشاری را می‌بینیم که میان تولید انبوه و «حفظ جایگاه هنری» خود، دومی را انتخاب می‌کند.

در بخش زیادی از ترانه‌های کارنامه او «ایران» حضوری ناملموس دارد که گاه در شمایل محاکاتی عاشقانه، شنونده را با خود همراه می‌کند، بی‌آن‌که بداند روی سخن شاعر با سرزمینی است که میانشان «غربتی طولانی» فاصله انداخته است.

شاعری که خانه‌اش تا اقیانوس فاصله اندکی داشت، اما می‌گفت سال‌هاست که به کنار دریا نرفته و هنوز چمخاله تا دریای شمال را قدم می‌زند؛ «کنار دریای شمال / دلم می‌خواد داد بکشم / نفس برام تنگه دیگه / یک نفس آزاد بکشم.»

هما میرافشار را می‌توان ادامه‌ای بر لعبت والا، منیر طه و سیمین بهبهانی دانست، ترانه‌سرایی که می‌گوید در سروده‌هایش تلاش کرده تا قصه‌ای را با آغاز و میانه و پایان بازگو کند. بازآفرینی فضاهای شاعرانه ترکیبی با کمک گرفتن از اندوخته‌ها و ظرفیت‌های ادبیات کلاسیک و زبان و زندگی روزمره، مخاطبان ترانه‌اش را در مرز باریکی بین امروز و دیروز نگه می‌داشت، بی‌آن‌که هویت زبان فارسی را مخدوش کند. می‌نوشت: «صبحت بخیر عزیزم / با آن‌که گفته بودی / دیشب خدا نگهدار...» تا برسد به «خوکرده قفس را / میل رها شدن نیست.»

ترانه‌سرایان عصری که مردان و زنان ادبیات آهنگینش قفس تنگ ملودی‌های دشوار را با نوشتن ترانه‌هایی بر بستر این ملودی‌ها می‌شکستند و خوانندگان‌شان را ماندگار می‌کردند، «اون نگاه گرم تو، اون نگاه گرم تو / جام شرابه اما شرابه / زندگی بی چشم تو رنج و عذابه / رنج و عذابه.»

در برنامه رادیویی «پاراگراف اول» فرید زلاند، آهنگسازی که ترانه‌های «شما»، «ثبات»، «گلای لاله عباسی» و چندین و چند همکاری دیگر با هما میرافشار داشته است، به همراه مهدی ذکایی، روزنامه‌نگار قدیمی و ناشر مجله جوانان امروز لس‌آنجلس، از سراینده «گلپونه‌ها» گفته‌اند.



[↓ لینک مستقیم](#)

[↗ بازکردن در پنجره جدید](#)

به تمام معنا شاعر

فرید زلاند، هما میرافشار را شاعری می‌داند که به‌گفته او «شاعری به تمام معنا» بود.

آقای زلاند می‌گوید برای او به عنوان آهنگساز، مهم‌ترین ویژگی خانم میرافشار این بود که او پیش از «ترانه‌سرا بودن، شاعر» بود.

این آهنگساز معتقد است که خانم میرافشار هم در قالب شعر کلاسیک و هم در ترانه، هویت و زبان مستقل خود را حفظ کرد و هرگز از اصول شعری خود فاصله نگرفت.

مهدی ذکایی با برجسته کردن بخش دیگری از زندگی حرفه‌ای هما میرافشار، به جست‌وجوی بازتاب آن در آینه شعر و ترانه‌اش می‌پردازد.

آقای ذکایی با بازگشت به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ و حضور هما میرافشار در مجله جوانان امروز به سردبیری «ر. اعتمادی»، او را زنی متفاوت یافته بود.

آقای ذکایی با اشاره به گفت‌وگوهای هما میرافشار با زندانیان زن در آن زمان، می‌گوید کمتر زنی حاضر بود چنین مسئولیتی را پذیرا شود.

آقای ذکایی می‌گوید: هما میرافشار توانسته بود با زندانیانی که بسیاری از آن‌ها از مجرمان شناخته‌شده آن دوران بودند، رابطه‌ای انسانی و مبتنی بر اعتماد برقرار کند؛ تا جایی که آن افراد برای دیدار با او مشتاق بودند و هنگام حضورش در زندان با احترام ویژه‌ای از او استقبال می‌کردند.

به‌گفته مهدی ذکایی، برخی زندانیان در گفت‌وگو با خانم میرافشار مطالبی را مطرح می‌کردند که حتی در پرونده‌های رسمی آن‌ها ثبت نشده بود.

آقای ذکایی این توانایی را محصول شخصیت خاص هما میرافشار می‌داند، «شخصیتی که می‌توانست بدون پیش‌داوری با افراد ارتباط برقرار کند و شنونده حرف‌های آنان باشد.»

او زمانی را به یاد می‌آورد که خانم میرافشار تصمیم گرفت این فعالیت را کنار بگذارد و می‌گوید: بسیاری از زندانیان از این موضوع به‌شدت متأثر شدند و با این موضوع به‌شدت احساسی برخورد کردند، به شکلی که به رسم پهلوانان قدیم بر سر او گل می‌ریختند و با او وداع می‌کردند.

«اهل خلوت»

فرید زلاند کلام هما میرافشار را صرفاً در گرو و محدود به مضامین عاشقانه نمی‌داند. او معتقد است آزادی یکی از ویژگی‌های شخصیتی این ترانه‌سرا بود که در قالب وطن، مردم و مسائل اجتماعی، هویت ادبی او را شکل می‌داد.

مهدی ذکایی در تکمیل تصویر دیگری از هما میرافشار، او را ترانه‌سرای می‌داند که بیشتر «اهل خلوت» بود و درگذشت همسرش که نسبت خانوادگی با «حمیرا» خواننده سرشناس داشت، او را بیش از گذشته به «دنیای درونی‌اش» پناهنده کرد.

با این حال این روزنامه‌نگار می‌گوید، سراینده ترانه‌های «اشک من» با صدای گلپا، «هوس» با صدای معین و صدها ترانه دیگر با صدای نام‌آوران موسیقی معاصر تا زمانی که با فراموشی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، از سرودن پا پس نکشید.

مهدی ذکایی، هما میرافشار را سراینده‌ای «سفارش‌پذیر» نمی‌داند و معتقد است ترانه‌ها ابتدا در جهان ذهنی و شخصی‌اش شکل می‌گرفتند و سپس آهنگساز و خواننده وارد می‌شدند.

در حالی که مهدی ذکایی استقلال فکری و هنری خانم میرافشار را رمز ماندگاری آثارش می‌داند، فرید زلاند با اشاره به تبحر او در سرودن ترانه بر روی ملودی، با یادآوری خاطره‌ای از پدرش استاد جلیل زلاند، سازنده آهنگ «من آمده‌ام»، می‌گوید: پدرم می‌گفت، وقتی شعر را دستت می‌گیری، طوری روی آن آهنگ بساز که

انگار خودت آن شعر را گفته‌ای. بنابراین، هر زمان در فهم بخشی از شعر به توضیح بیشتری نیاز داشتم، مستقیماً با هما جان گفت‌وگو می‌کردم تا بتوانم مفهوم مورد نظر شاعر را بهتر در موسیقی بازتاب دهم. به باور آقای زلاند، تکلیف هما میرافشار با آنچه می‌سرود روشن بود و او «هرگز به شعر کلاسیک خیانت نکرد.»

مهدی ذکایی هم بر این اعتقاد است که کمتر زنی در تاریخ ترانه‌سرایی ایران با این میزان توانایی، گستردگی فعالیت و حجم آثار مانند هما میرافشار می‌توان سراغ گرفت.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.